

۱۶۷۹۳

نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد	مجله
۱۳۵۵	تاریخ نشر
۱۷	شماره
	شماره مسلسل
مشهد	محل نشر
فارسی	زبان
علی اکبر شهیدی	نویسنده
۱۴	تعداد صفحات
فضیلت و طهارت اهل بیت (قسمت اول)	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

برای نویسنده توفیق مسافرتی به حجاز و مصر روی داد. در یکی از کتابفروشیهای قاهره که گاهی برای دیدن کتب و خریدن کتاب مطلوبی سر می‌زدم، کتاب کم حجم و کوچکی نظرم را بخود معطوف داشت. پس از نگاه اجمالی و آگاهی از موضوع و محتوا یک نسخه از آن را خریدم و چون هنگام فراغ، بادقت آنرا مطالعه و بررسی کردم، مطلوب خود را در آن یافتم و دلیل و شاهد دیگری برای مدعای خود - که پیشینیان پژوهشگر و پرکارما بواقع شیفته علوم و معارف بوده‌اند و اوقات خود را بر مطالعه و تحقیق و نگارش در شؤون و رشته‌های گوناگون علوم و فنون وقف کرده بودند، چنان که در همه شاخه‌های دانشهای زمان خود به انواع گوناگون بحث و تحقیق کرده و کتابها و رساله در همه علوم و فنون برای آیندگان بیادگار گداخته‌اند - بدست آوردم.

این کتاب کم حجم و پر معنی، یکی از آثار دانشمند و مورخ بزرگ اسلامی قرن نهم هجری به نام احمد بن علی مقریزی^۱ از مردم مصر می‌باشد. در پشت جلد کتاب چاپی، این عنوان نوشته شده است: «فضل آل البیت از مقریزی» ولی در صفحات دیگر و در مقدمه کتاب نام آن: معرفة ما یجب لآل البیت النبوی من الحق علی من عداهم «شناخت حقوق اهل بیت بر دیگران» آورده شده است.^۲

بهترین است موضوع کتاب و هدف نویسنده آنرا از زبان مؤلفش بشنویم.

۱- احمد بن علی بن عبدالقادر تقی‌الدین مقریزی مورخ مشهور مصری در قرن نهم هجری است. وی در سال ۷۶۶ ه. در قاهره زاده شد و بسال ۸۴۵ ه. در همان شهر پس از عمر طولانی درگذشت. نیاکش در دیهی بنام مقریز از نواحی بعلبک ساکن بودند و از آنجا بمصر هجرت کردند. مقریزی در اغلب علوم زمان بحیرالت و کتب و رسالاتی در علوم گوناگون از وی بجای مانده. در فن تاریخ از شاگردان بنام و مشهور مورخ معروف ابن خلدون بود، و در نگارش مسائل و مواضع تاریخی از روش استاد خود ابن خلدون پیروی کرده است. آثار او را متجاوز از دو بیست کتاب نوشته‌اند که قسمت عمده آنها درباره تاریخ شؤون مختلف مصر است.

کتاب بزرگ و مشهور او بنام: «المواظط والاعتبار بذكر الخطط والامار» می‌باشد که به خط مقریزی شهرت دارد. این تاریخ از سال دوازده هجری آغاز و به زمان مؤلف خاتمه می‌یابد. مقریزی بنا بر گفته سخاوی مصری (متولد ۸۲۱)، مؤلف الضوء اللامع، در ابتدا بر مذهب حنفی بود ولی بعداً مذهب شافعی اختیار کرد.

۲- سخاوی در الضوء اللامع این رساله را بهمین نام آورده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیعه‌شناسی

در شهر البیت ۱۸
۲۵
۱۳۵۵

فضیلت و طهارت اهل بیت
یا پیشوایان شیعه

پژوهشی مستند به آیات قرآن کریم و اخبار صحیح از پیغمبر اکرم درباره فضیلت و عصمت اهل بیت و این که مقصود از «اهل بیت» که در قرآن، طهارت و پاک‌آنان از بدبها و پلیدیها و شرک و صل شده است چه کسانی هستند.

در پیرامون مذهب شیعه و پیشوایان تشیع و فضایل و امتیازات روحی و اخلاقی آنان دانشمندان و محققان شیعه کتابهای بسیاری نوشته و با دله و احادیث فراوان از پیغمبر اکرم و صحابه بزرگوار، درباره برتری آن بزرگواران بر سایر مردم و طهارت و عصمت و پرهیزگاری آنان سخن گفته‌اند، درین گفتار از طریق اخبار و گفته‌های دانشمندان و راویان اهل سنت درباره فضایل خاندان پیغمبر (اهل بیت)، پژوهشی مستند به آیات قرآن کریم بروفق تفسیری که مفسران اهل سنت کرده‌اند، هم چنین روایاتی که در کتب معتبر و صحاح آنان آورده شده است، انجام می‌یابد. هدف ازین گونه بحث و تحقیق رفع اشتباه و توهم از کسانی است که گاهی لب به اعتراض می‌کشند که آنچه را شیعیان درباره پیشوایان مذهب شیعه می‌گویند مستند به گفته نویسندگان و راویان شیعه است ولی در قرآن کریم و در کتابهای صحاح اهل سنت و تاریخهایی که غیر شیعیان نوشته‌اند، درباره فضایل ارکان نخستین تشیع و امامان شیعه آیه و خبری نیست. انگیزه دیگری که مرا در انجام این نیت رهنمون گردید این بوده که در آغاز سال نو

در مقدمه کتاب پس از ستایش خداوند و درود بر پیغمبر و خاندان و باران وی چنین می گوید: «چون دیدم بیشتر مردم درباره حق اهل بیت مقصر و از حقوق آنان روی گردان و از شناسائی قدر و مقام آنان در نزد خدا جاهل هستند، بر آن شدم که مختصری فراهم کنم که نشان دهنده بزرگی مرتبه آنان باشد و کسی که در راه حق پویا و جویاست بمقامات خلیل آن بزرگواران راه یابد تا در حد خود بایستد و آنچه را خداوند صادق الوعد به آنان وعده داده و برایشان منت گذارده است راست بداند...»^۳

مؤلف پس از ذکر این مقدمه کوتاه آیاتی چند از قرآن کریم را که بگفته بیشتر مفسران و راویان راست گفتار درباره ائمه اطهار و پیشوایان بزرگوار شیعه نازل شده است می آورد و گفته های بسیاری از کتب صحاح اهل سنت را در پیرامون آن آیات ذکر می کند. از مجموع اخبار و احادیثی که در تائیل آیات می آورد بخوبی روشن می شود که بیشتر راویان و محدثان سنی مذهب نیز مانند علمای شیعه مذهب آیات مورد نظر را - که نمونه ای از آنها در همین مقاله آورده خواهد شد - مخصوص اهل بیت یعنی: پیغمبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می دانند.

چون محتوای کتاب مقریزی همان مطالبی بود که نویسنده از مدت ها پیش در نظر داشت در آن زمینه مقاله و رساله ای فراهم آورد، پس از مطالعه کتاب بر آن شدم که بر روش مقریزی و با استفاده از کتاب وی و سایر کتب معتبر اهل سنت برخی از آیات و احادیثی که در فضیلت و طهارت و مقام و الای پیشوایان بزرگوار شیعه وارد شده است باختصار درین مقاله بیاورم تا جمعی از بیخبران یا فریب خوردگان از بی خبری و اشتباه بیرون آیند و گمان نکنند که آنچه را شیعیان درباره موالی و پیشوایان خود می گویند فقط در کتابهای خودشان نوشته شده و عقیده و ادعای خاص خود ایشان می باشد.

الف - آیاتی چند از قرآن کریم:

آیه اول: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس، اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^۴. این

۳- مقدمه کتاب فضل آل البیت، چاپ دوم، بیروت ص ۱۷.

۴- سوره احزاب ۲۳، آیه ۲۳.

قسمت جزء آخر این آیه است: و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى و اقمن الصلوة و آتین الزکوة و اطمن الله ورسوله، انما یرید الله لیدهب...

اول این آیه و آیه پیش از آن خطاب به زنان پیغمبر است با عبارت: یا نساء النبی... (ای زنان پیغمبر). خداوند زنان پیغمبر را هشدار می دهد که آنان مانند دیگر زنان نیستند اگر پرهیزگاری را پیشه خود سازند. پس از آن آنان را از این که بامردان به نرمی سخن گویند بر حذر می کند زیرا بر آن شیوه سخن گفتن، مردانی که در دل خود اندیشه بد دارند بطمع می افتد. در آخر آیه به زنان دستور می دهد که سخن نیکو پسندیده گویند. در آیه بعد: «و قرن بیوتکن...» آنان امر می کند که در خانه های خود قرار گیرند و مانند زنان دوره جاهلیت آرایش و زینت خود را آشکار نسازند. نماز بی پای دارند و زکوة بدهند و از خدا و رسول خدا اطاعت کنند. پس از آن در آخر آیه بدین گونه تعبیر شده است: انما یرید الله... همانا خداوند اراده دارد که از شما اهل بیت زشتیها و پلیدیها را دور و شمارا پاک و پاکیزه سازد.

شیعیان با اتفاق در تائیل و تفسیر آیه تطهیر بدلائل نقلی و استحسانات عقلی می گویند مقصود از «اهل بیت» در آیه، پیغمبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند و آیه تطهیر شامل ازواج پیغمبر و سایر خویشاوندان وی نمی شود. مفسران و مؤولان اهل سنت نیز غالباً همانند شیعیان، اهل بیت را در آیه تطهیر منحصر در همان خمسة آل عبا ذکر کرده اند.

اینک برخی از احادیثی را که مقریزی، دانشمند و مورخ بزرگ سنی، در تفسیر آیه تطهیر آورده است در این جا می آوریم^۵.

۱- از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود آیه: انما یرید الله لیدهب... درباره پنج تن نازل شده است: من و علی و حسن و حسین و فاطمه^۶.

۵- فضل آل البیت صفحات: ۱-۲۰، ج دوم، بیروت.

۶- تفسیر طبری ۲۲/۵.

۲- در روایت زکریا از مصعب بن شیبه از صفیه دختر شیبه نقل شده است که وی گفت: عایشه رضی الله عنها بدین گونه خبر داد: روزی بامدادان رسول خدا صلی الله علیه وآله از خانه بیرون رفت و بردوش او کسائی منقش از پشم سیاه بود. درین هنگام حسن علیه السلام بروی وارد شد پس او را در میان عبا با خود جای داد پس از آن علی آمد، او را نیز در عبا خود جای داد و این آیه را تلاوت فرمود: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت^۷ ...

۳- حماد بن سلمه از علی بن زید از انس روایت کرده است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم در مدت شش ماه هر گاه برای نماز بیرون می رفت از نزدیک خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و می فرمود: هنگام نماز است ای اهل بیت. آن گاه این آیه را می خواند: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت^۸ ...

۴- زید از شهر بن حوشب از ام سلمه رضی الله عنها چنین روایت کرده است که ام سلمه گفت: رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با علی و فاطمه و حسن و حسین در خانه من بودند. من برای ایشان خوراکی از گوشت و آرد گندم ساختم، همگی از آن خوردند و خوابیدند و بر روی آنان کساء یا قطیفه ای کشیده شده بود، پس پیغمبر اکرم فرمود: اللهم هؤلاء اهل بیتی، اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً، بار خدایا اینان اهل بیت من هستند، زشتی و پلیدی را از آنان دور ساز و ایشان را پاک و پاکیزه گردان^۹.

۵- یونس بن اسحاق از ابی داود و او از ابوالحمراء چنین روایت کرده است که ابوالحمراء گفت: مدت هفت ماه در عهد پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از مدینه بیرون نرفتم. هر روز هنگام سپیده دم نبی گرامی را می دیدم که بر در خانه علی و فاطمه رضی الله عنهما می آمد و می گفت: نماز، نماز! انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت^{۱۰} ...

۷- همان ماخذ، همان صفحه.

۸- ترمذی، رجوع شود به: تحفة الاحوذی تفسیر سورة احزاب حدیث ۶۸/۷۷/۱/۲۵۹.

۹- تفسیر طبری: ۶/۲۲.

۱۰- همان کتاب، همان صفحه.

۶- ابی نعیم فضل بن دکین از عبدالسلام بن حرب و او از کثوم محاریبی و او از ابوعمار بدین گونه روایت کرده است که وی گفت: من نزد واثله بن اسقع نشسته بودم. درین هنگام نام علی رضی الله عنه بمیان آمد. چند تن از حاضران بوی ناسزا گفتند، چون برخاستند، واثله بمن گفت، بنشین تا ترا از این کس که بوی دشنام دادند خبر دهم: من در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بودم که علی و فاطمه و حسن و حسین بر او وارد شدند. پیغمبر کساء خود را بر روی آنان انداخت و گفت: بار خدایا اینان اهل بیت من هستند، بار خدایا زشتی و پلیدی را از آنان دور گردان و ایشان را پاک و پاکیزه ساز^{۱۱} ...

۷- وکیع از عبدالحمید بن بهرام و او از شهر بن حوشب و او از فضیل بن مرزوق و او از عطیه ووی از ابوسعید خدری و او از ام سلمه رضی الله عنها روایت کرده است که ام سلمه گفت: چون آیه تطهیر: انما یرید الله ... نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند، آن گاه کسائی خبیری بر آنان پوشانید و گفت: اللهم هؤلاء اهل بیتی، اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً. ام سلمه گفت: آیا من از ایشان نیستم. پیغمبر فرمود: توبسوی خیرهستی^{۱۲}.

۸- ابن مرزوق از عطیه و او از ابوسعید و او از ام سلمه زوجه پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است که ام سلمه گفت: این آیه: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس ... در خانه وی نازل گردید. گفته است: من بر در خانه نشسته بودم، پس گفتم: یا رسول الله آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: توبسوی خیرهستی، تو از زنان پیغمبر می باشی. ام سلمه گفته است: هنگام نزول آیه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم در خانه بودند^{۱۳}.

۹- محمد بن سلیمان اصفهانی از یحیی بن عبیدمکی و او از عطاء ووی از عمر بن ابی سلمه (زبیب پیغمبر اکرم) روایت کرده است که عمر گفت: آیه انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس ... بر پیغمبر نازل شد هنگامی که آن بزرگوار در خانه ام سلمه بود، پس حسن

۱۱- تفسیر طبری ۶/۲۲.

۱۲- همان ماخذ، همان صفحه.

۱۳- تفسیر طبری ۷/۲۲.

وحسین و فاطمه را نزد خود خواند و آنان را در پیش خود نشانید آن گاه علی را خواند و او را در پشت سر خود جای داد، سپس بر خود و ایشان کسائی پوشانید و گفت: اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیراً.

ام سلمه پرسید آیا من نیز از جمله ایشان هستم؟ پیغمبر فرمود: تو در جای خود می باشی و توبسوی خیر هستی.^{۱۴}

۱- از طریق سدی از ابودیلیم روایت شده است که وی گفت: علی بن الحسین سلام الله علیه برمدی از اهل شام گفت: آیا در سوره احزاب این آیه را خوانده ای: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً. مرد شامی گفت: آیا شما همان کسان هستید؟ فرمود: بلی.^{۱۵}

۱۱- بکیر بن اسماء از عامر بن سعد و او از سعد نقل کرده است که سعد گفت: هنگامی که وحی نازل شد پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم علی و فاطمه و حسن و حسین را در زیر جامه خود داخل کرد و گفت: «رب هؤلاء اهلی و اهل بیتی»^{۱۶}.

۱۲- عبدالله بن عبدالقدوس از حکیم بن سعد روایت کرده است که وی گفت: در نزد ام سلمه رضی الله عنها نام علی بن ابی طالب را بردیم. ام سلمه گفت: آیه انما یرید الله ... در خانه من نازل گردید. آن گاه چنین گفت: پیغمبر بخانه من آمد و فرمود: به هیچکس اجازه دخول ندهم. درین هنگام فاطمه رضی الله عنها آمد و من یارای آن نداشتم که او را از دیدن پدر منع کنم، پس حسن رضی الله عنه وارد شد و من نتوانستم او را از دیدن جد و مادرش بازدارم، آن گاه حسین آمد و باز مرا یارای آن نبود که او را اجازه دخول ندهم، پس همگی برگرد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بر روی بساطی جمع شدند و پیغمبر صلی الله علیه و آله ایشان را در زیر کساء خود داخل کرد، آن گاه گفت: هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً. پس وقتی که بر روی بساط جمع شده بودند این آیه نازل گردید. ام سلمه گفته است: پس من گفتم: یا رسول الله و من نیز؟ ولی بخدا سوگند

۱۴- همان ماخذ و همان صفحه رجفله احوذی، کتاب تفسیر ۶۱/۱.

۱۵- تفسیر طبری ۸/۲۲.

۱۶- تفسیر طبری ۸/۲۲.

جواب آری نداد و چنین فرمود: «توبسوی خیر هستی»^{۱۷}.

مقریزی پس از ذکر روایات و اخبار بسیاری مشتمل بر این که مقصود از اهل بیت در آیه شریفه همان پنج تن بزرگوار یا آل عبا می باشد و درین گفتار مقداری از آن احادیث آورده شد در دنبال آن اخبار چنین می گوید:

برخی دیگر گفته اند که مقصود از اهل بیت در آیه ازواج پیغمبر صلی الله علیه و آله هستند.

در این جا نمونه ای از اخباری را که مقریزی در کتاب خود و دیگران در گفته ها و آثار خویش آورده اند و «اهل البیت» را بطریق دیگری معنی کرده اند، نقل می کنیم. از مفاد این اخبار هر کس که دارای اندکی بصیرت باشد و حب و بغض و تعصب بیچارا از خود دور کند، از خود خبر بسهولت نادرستی و مجهول بودن آن را در می یابد.

این گروه از طریق اصبع از علقمه خبری ذکر کرده اند بدین گونه که: عمر رضی الله عنه در بازار فریاد می زد که آیه: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم

۱۷- همان ماخذ همان صفحه، چنان که ملاحظه می شود در متن حدیث آن جا که نام اشخاص وارد بخانه ام سلمه برده شده است نام علی علیه السلام نیامده است. اگر حلف نام از نسخ نباشد، دخل و تصرف مؤدوران دوره امویان و عباسیان در حدیث و حلف نام علی از آن بخوبی نمایان است زیرا علاوه بر این که در همه احادیث آیه تطهیر نام علی علیه السلام دیده می شود در آغاز همین حدیث نیز راوی تصریح می کند که: نام علی در نزد ام سلمه برده شد و ام سلمه بدین مناسبت این حدیث را نقل کرد. مصداق: «دروغگو کم حافظه است» درین حلف و تغییر نمایان است. غیر از آنچه گفته شد، موضوع دیگری که بطور آشکار و صراحت نظر ما را تأیید می کند آن است که در تفسیر طبری جزء ۲۲ ص ۷ چاپ بیروت بجای کلمه «فی بیتی» در خانه من» در اول حدیث کلمه «لیه» - درباره علی» آورده شده است و بدین گونه معلوم می شود که ام سلمه رضی الله عنها هنگامی که جمعی نام علی علیه السلام را در خانه وی برده اند وی خواسته است شان و مقام علی را با آنان گوشزد کند ازین جهت گفته است که آیه: انما یرید الله ... درباره وی نازل شده است. عین عبارت تفسیری طبری چنین است: «... عن حکیم بن سعد قال ذکرنا علی بن ابی طالب رضی الله عنه هند ام سلمه. قالت لیه نزلت: انما یرید الله ...» جای بسیار ناسف است که پاره ای از مفرضا و متمصبان در چاپ کتب دینی تفسیرات و تخریفات پدهند، چنان که در همین رساله: فضیلت اهل بیت مقریزی چاپ قاهره با این که این حدیث از تفسیر طبری همان جزء و همان صفحه که ذکر شد نقل شده است مهملتا مفرضان بدانندیش بجای کلمه «لیه»، «فی بیتی» چاپ کرده اند.

تطهیراً در حق زنان پیغمبر باختصاص نازل شده است^{۱۸}.

اینک اندکی در پیرامون حدیث اخیر که اهل بیت اختصاص به زنان پیغمبر اکرم داده شده است بررسی و پژوهش می‌کنیم.

می‌دانیم زمان عمر نزدیک به زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و هنوز مفسران و شارحانی که قرآن را بهوی و هوس خود و برای خشنودی زمامداران وقت تاویل و تفسیر کنند پیدا نشده بودند و صحابه و سایر مردم از معانی قرآن کریم همان را درک می‌کردند که در زمان پیغمبر و هنگام نزول آیات همان معنی فهمیده می‌شد، بنابراین اگر مصداق و مفهوم اهل البیت در آیه: «انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت... همسران پیغمبر می‌بودند، هیچ دلیل و انگیزه‌ای در میان نبود که عمر یا عکرمه در بازار فریاد زنند که آیه تطهیر فقط درباره زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، زیرا همه مردم همان معنی را از آیه می‌فهمیدند که عمر فهمیده بود. البته اگر آیه از متشابهات بود جای چنان اعلام و تنبیهی وجود داشت ولی چنان که روشن است آیه از متشابهات قرآن نیست.

جای این گونه توهم و فرضی هم نیست که گفته شود: اهل بیت و خاندان پیغمبر پس از آن بزرگوار، در میان مردم اعمال نفوذ کردند و بتالیغ و تطمیع ب مردم چنان تفهیم کردند که مقصود از «اهل البیت» در آیه تطهیر ایشان هستند نه جز آنان زیرا بشهادت تاریخ و قرآن بسیار اهل بیت و عترت پیغمبر پس از رسول اکرم گرفتار انواع و اقسام بی‌حرمتیها و آزار شدند خاصه از جانب قبیله خود، قریش. مظهر کامل اهل بیت حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام بودند و چنان که بر همه مسلمانان پوشیده نیست هر یک از

۱۸- تفسیر طبری ۸/۲۲. در کتاب متریزی بنقل از تفسیر طبرسی در متن حدیث نام مرآورده شده است عبارت کتاب این است: «ثم ذکر من طریق الاصبغ من علقمه قال: کان مروضی الله عنہ بنادی فی السوق انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً قال نزلت فی نساء النبی صلی الله علیه و سلم خاصة». ولی در تفسیر طبری (جامع البیان) چاپ بیروت ص ۷ جزء ۲۲ در متن حدیث بجای نام عمر نام عکرمه آورده شده است. متن حدیث چنین است: «حدثنا ابن حمید قال ثنا یحیی بن واضح قال ثنا الاصبغ من علقمه قال: کان مکرمة بنادی فی السوق تا آخر».

آن بزرگواران بنوعی گرفتار بزرگترین آزارها و بی‌حرمتیها از هم کیشان و خویشان و بیگانگان زمان خود شدند و اصولاً بیشتر مردم قریش و بزرگان مهاجران بعلی که در کتابهای سیر و تواریخ نوشته شده است دشمنی خاصی با علی علیه السلام و خاندان او داشتند و تا آن جا که توانستند در محو آثار و احادیثی که در فضیلت آن بزرگواران از پیغمبر نقل شده بود کوشیدند، با این کیفیت چگونه ممکن است تصور شود که در چنان محیط دشمن‌زا و پر کینه و حسدی، خاندان علی علیه السلام که همان اهل بیت پیغمبر هستند بتوانند چنان اعمال نفوذی بکنند؟

برعکس خاندان علی که در راز سیاست و برکنار از مسائل و حوادث روز بودند، کسان دیگری که درباره‌ای از اخبار و تفاسیر، «اهل بیت» در آیه به آنان تاویل شده است: همسران پیغمبر یا مطلق بنی هاشم شامل عباس و سایر اعمام و پسر عمان پیغمبر صلی الله علیه و آله، پس از رحلت پیغمبر در نزد خلفا و صحابه همه معزز و دارای جاه و مقام بودند که از آن جمله است ام المؤمنین عایشه. اگر مقصود از اهل بیت، چنان که در حدیث علقمه و فریاد زدن عمر یا عکرمه در بازار درباره معنی اهل بیت و نظایر این حدیث آمده است همسران پیغمبر و اعمام و بنی اعمام اومی بودند بی‌یقین همگی آنان این فضیلت و امتیاز را درباره خود حفظ می‌کردند و همیشه بدان افتخار و استناد می‌جستند، در صورتی که ام المؤمنین عایشه یکی از کسانی است. که از طرق مختلف از وی روایت شده است که مقصود از اهل بیت همان پنج تن آل عباست^{۱۹}. عالم و مفسر بزرگ، طبرسی، که تفسیرش مورد قبول و استناد همه محققان اسلامی است در تفسیر آیه تطهیر چنین نوشته است: «همه مسلمانان اتفاق دارند که مراد از اهل بیت، خاندان پیغمبر است ولی در این که آنان چه کسانی هستند اختلاف کرده‌اند. عکرمه گفته است: ایشان همسران رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند زیرا اول آیه خطاب به ایشان است ولی ابوسعید خدری و انس بن مالک و ائمه بن اسقع و عائشه و ام سلمه گفته‌اند: این آیه مختص است بر رسول اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام»^{۲۰}.

۱۹- در همین گفتار، حدیث دوم از عایشه روایت شده است.

۲۰- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جزء ۷ و ۸ ص ۲۵۶، چاپ تهران.

اینک چند دلیل استحسانی و ادبی در تأیید و قطعیت این که مقصود از اهل بیت همان پنج تن، خاندان و پیوندان اصلی پیغمبر اکرم صلی الله علیه می باشند، نه همسران آن بزرگوار در این جا آوردمی شود:

۱- در قرآن کریم از همسران پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در چندین سوره و آیه به نساء یا زواج نام برده شده است: و از واجه امهاتهم^{۲۱} - یا نساء النبی من آیات منکن بفاحشة مبینه...^{۲۲} - یا ایها النبی قل لا زواجک...^{۲۳} - و اذا سأل النبی الی بعض ازواجه حدیث^{۲۴}...

ولی در هیچ جا از آنان به «اهل البیت» تعبیر نشده است. اگر آنان جزء اهل البیت می بودند با آن که در قرآن کریم در موارد بسیار از آنان نام برده شده است لا اقل در جای دیگری غیر از آیه مورد بحث، باید این تعبیر درباره آنان آورده میشد. در آیه قبل از آیه تطهیر نیز خطاب به همسران بعبارت: یا نساء النبی می باشد. اگر، چنان که برخی ادعا کرده اند مقصود از اهل البیت همان نساء است مقتضی فصاحت و صراحت این بود که بجای «اهل البیت» در: انما یرید الله... «نساء النبی» گفته می شد تا با صدر آیه و با موارد دیگری که در قرآن از همسران پیغمبر اکرم یاد شده است موافق باشد. بنابراین، تفسیر روش کلام از «نساء النبی» به «اهل البیت» ان هم با اصطلاح ادبی بطریق مدح و اختصاص خاص خود دلیل برین است که مقصود از اهل البیت همسران نیستند.

و اما این که علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بیقین جزء اهل بیت هستند به استناد چندین روایت است که در همین گفتار آورده شده است از آن جمله حدیث حماد بن سلمه. مفاد برخی از این احادیث مشعر برین است که پیغمبر در مدت شش ماه هر گاه برای نماز خارج می شد در برابر خانه فاطمه علیها السلام می ایستاد و می فرمود: نماز! نماز! ای اهل بیت و آن گاه آیه: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت... را قرائت

۲۱- سوره ۲۳ (احزاب) از آیه ۶.

۲۲- همان سوره، از آیه ۲۰.

۲۳- همان سوره، از آیه ۵۹.

۲۴- سوره ۶۶ (محریم)، از آیه ۲.

می فرمود. آیات راهی روشن تر و استوارتر برای فهماندن به مسلمانان که مقصود از اهل بیت علی و فاطمه و حسنین هستند جز راهی که پیغمبر برگزیده بود می توان تصور کرد؟

۲- در هیچ تاریخ و روایتی دیده نشده است که همسران پیغمبر یا عباس و فرزندان او، خود را اهل بیت خوانده یا دیگران ایشان را بدین عنوان یاد کرده باشند، ولی خطب علی علیه السلام و گفتار ائمه دیگر که فرزندان وی و فاطمه علیهما السلام بودند بهترین گواه است که مقصود از اهل بیت هم ایشان هستند زیرا همیشه خود آنان خود را اهل البیت می خواندند و هم دیگر آن ایشان را به همین عنوان یاد می کردند و هیچکس در مقام معارضه با آن بزرگواران درین عنوان بر نیامده است.

۳- از مفاد آیه تطهیر بخوبی روشن است که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته بوده است که «اهل البیت» از هر زشتی و پلیدی بدور و بصفت طهارت و پاکی بتمام معنی آراسته باشند.

البته اراده خدا بی چون و چرا تحقق می یابد. حال باید برای یافتن مصداق «اهل بیت» که متصف به صفت طهارت و عصمت و تقوی و دوری از انواع و اقسام گناهان کبیره و صغیره حتی ترک اولی باشند چه کسانی هستند.

عموم مسلمانان معتدل غیر از خوارج و نواصب که شاید اسلام آنان در نظر مسلمانان واقعی مورد تردید باشد درباره علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام عقیده به طهارت و تقوی و تخلق آنان با اخلاق کریم پیغمبر اسلام دارند. کتب سیر و تواریخ و اخبار و روایات مشحون از فضایل و طهارت و تقوی و عبادت آن بزرگواران است، بنابراین قدر مسلم هم از جهت اخبار و احادیث منقول و هم با استدلال و استحسان عقلی و تطبیق صفات و اخلاق این بزرگواران با مفاد آیه تطهیر، آن است که پنج تن بدلیل قاطع اهل بیت هستند. اما درباره همسران پیغمبر اکرم، گفته کسانی که فقط آنان را اهل بیت دانسته و یا ایشان را جزء اهل بیت بر شمرده اند مواجه با اشکالات نقلی و عقلی بسیار است. از جمله دلایل نقلی: در سلسله روایاتی که اهل بیت فقط پنج تن آل عبا ذکر شده است، چندین روایت به ام المؤمنین عایشه و ام المؤمنین ام سلمه منتهی می شود. ام سلمه در روایات متعدد که در همین گفتار آورده شده است از پیغمبر می پرسد که آیا وی جزء اهل بیت است پیغمبر

گاهی در پاسخ او می‌فرماید که تو از زنان پیغمبر هستی ، گاهی می‌فرماید که تو بسوی خیره‌لستی ولی او را در شماره اهل بیت نمی‌آورد . عائشه نیز در آن همه معارضات و منازعات که بابنی هاشم داشت و پس از جنگ جمل و در حین جنگ چندبار بایاران علی از جمله با ابن عباس مجادله و مناظره کرد هرگز استناد به این آیه نمود در صورتی که اگر آیه تطهیر شامل وی می‌شد بی‌تین استدلال بدان می‌کرد .

اما دلیل عقلی ؛ باین که همسران پیغمبر همگی دامن عفتشان از هر آلودگی پاک و منزه بود و همه بافتخار لقب و شرافت «ام‌المؤمنین» مفتخر بودند ، معه‌ها گاهی تحت تاثیر عادات و اخلاق مخصوص زنان از قبیل غیرت و حسد و افشاء راز و نظایر اینها قرار می‌گرفتند و موجب آزار نبی اکرم می‌شدند .

قصه دوری گزیدن پیغمبر اکرم از همه زنان خود در مدت يك ماه در نتیجه افشای سری که از ام‌المؤمنین حفصه سرزد و همکاری ام‌المؤمنین عایشه با وی در اموری که موجب خشم و اعراض پیغمبر اکرم از زنان گردید در آیات سوره تحریم : یا ایها النبی لم تحرم ما احل الله لك تبغی مرضات ازواجك والله غفور رحیم^۲ و : اذا سر النبی الی بعض ازواجه حدیثاً^{۲۶} ... و دیگر آیات آمده است و همه مفسران و مورخان بتفصیل علل نزول آیات و تبانی ام‌المؤمنین عائشه و حفصه را - که از سایر ازواج پیغمبر نسبت بیکدیگر بیشتر دوستی و یگانگی داشتند - در آنچه موجب رنجش و وجود مبارک پیغمبر شد ذکر کرده‌اند^{۲۷} .

آنچه نوشته شد مربوط به زمان حیات پیغمبر اکرم بود ، پس از رحلت آن بزرگوار نیز چنان که می‌دانیم ام‌المؤمنین عائشه با علی علیه السلام که خلیفه زمان بود و همه مسلمانان و صحابه پیغمبر در مدینه با وی بیعت کرده بودند از در مخالفت درآمد و برخلاف صریح آیه قرآن : و قرن فی بیوتکن ... که خداوند زنان پیغمبر را امر کرده بود در خانه‌های خود قرار گیرند ، از حریم خود بیرون آمد و جنگی را بپاداشت که بالغ بر بیست هزار از

۲۵- سوره تحریم (۶۶) ، آیه ۱ .

۲۶- سوره تحریم (۶۶) ، آیه ۳ .

۲۷- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تفسیر طبری (جامع التبیان) جزء ۲۸-۲۰ ، ص ۱۰۰-۱۰۴ و به

کتاب نساء النبی ، دکتر مانسه بنت الشاطی چاپ بیروت صفحات : ۸۱-۹۰ و ۱۰۶-۱۱۶ .

مسلمانان در آن جنگ کشته شدند . پس از آن از کار خود پشیمان شد و چنان که نوشته‌اند از گناه خود توبه نمود .

مقصود نویسنده در این جا بهیچوجه ورود در بحث تاریخی و بیان علل جنگ جمل یا انتقاد و مدح ام‌المؤمنین عائشه نیست و موضوع بحث نیز دور از این گونه مسائل است بلکه منظور اثبات اشتباه کسانی است که «اهل‌البیت» در آیه تطهیر را اختصاص بزبان پیغمبر داده‌اند زیرا با توجه ب صدر آیه که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته است که «اهل بیت» از هر پلیدی و زشتی پاک و پاکیزه باشند^{۲۷} بطور قطع نمی‌توان کسانی را که اشتباهات و لغزشهایی در زندگی مرتکب شده‌اند - بر فرض این که بعداً توبه هم کرده باشند - جزء و مصداق «اهل‌البیت» در آیه : انما یرید الله لیلذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیراً قرارداد زیرا اراده خداوند به پاکی آنان تعلق گرفته است .

چنان که از پیش نیز اشاره کردیم ام‌المؤمنین ام سلمه و ام‌المؤمنین عائشه که هر دو از ازواج به نام پیغمبر اکرم هستند در مصادر روایاتی قرار گرفته‌اند که اهل‌البیت را در آیه تطهیر اختصاص به پیغمبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام داده‌اند و همه مسلمانان اتفاق دارند که این بزرگواران مصداق کامل طهارت و قدس و تقوی بوده‌اند و هیچ‌کس ترک‌اولایی بردامن ایشان نه‌نشسته است .

(این بحث ادامه دارد)

۲۷- از نظر علمای ادب و بلاغت آیه تطهیر مشتمل بر تاکید بلیغ می‌باشد زیرا اولاً جمله بصورت

فعلیه بیان شده است و جمله فعلیه خود نوعی تاکید و قطعیت را می‌رساند. ثانیاً پس از جمله فعلیه : «و یطهرکم»

مفعول مطلق : «تطهیراً» که مخصوص تاکید و تثبیت مفاد جمله می‌باشد آورده شده است از این رو از مضمون

جمله چنان استفاده می‌شود که «اهل‌البیت» مذکور در آیه تطهیر باراده خداوند از هر نوع زشتی و پلیدی و

اشتباه و لغزش و هوی و هوسهای بشری پاک و منزه هستند .